

گزارش «جوان» از نخستین بازدید عمومی از پارک ملی هوافضا

برو سمت سرزمین غصب‌شده و آزادش کن!

■ **مرام ما، علم جستن حتی به ثرا**

ابتکار قابل تحسینی که در پارک ملی هوافضا انجام شده متصل کردن توانمندی‌های اکتسون ایران در طراحی و ساخت موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته به پیشینه علم و فرهنگ ایران است؛ اینکه طراحان نمایشگاه به این نکته دقیق توجه داشته‌اند که ما روی شانه‌های نسل‌های پیش از خود ایستاده‌ایم. روی کتیبه معرفی دیوارنگاره نوشته است: «قصده امروز دیروز نیست. ۱۴ سده قدمت دارد این ماجرا، داستان توانایی از پس دانایی است. ماجرای جستن و یافتن است که علم جستن حتی به ثرا همیشه مرام ما بوده است. مردمانی از ماهواره آمده‌اند، جسته‌اند و یافته‌اند و نقش‌هایی چنین ماندگار بر جای گذاشته‌اند» و نام‌هایی همچون ستاره‌ها روی دیوارنگارهای ثبت شده است: «محمدن ابراهیم فراری، ابونصر فارابی، علامه قطب‌الدین محمود شیرازی، شمس‌الدین دمشقی، ابن نفیس، بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی یا همان شیخ بهایی، سیدالماعیل جرجانی، ابوسعید سجری، فاطمه محمدالغفوی و دیگر اسامی که روی دیوار نقش بسته و قدر دانی و سیاست طراحان نمایشگاه دانمی هوافضا را به پیشینه علم ایران نشان می‌دهد.

■ **نمایشگاهی که خود را روایت می‌کند:**

■ **الف- ذرفول**

اولین دالاتی که در نمایشگاه بعد از ورود از آن عبور می‌کنیم، الف- ذرفول نامگذاری شده؛ بازسازی کوچکی از مظلومیت ایران و خوزستان در روزهای آغاز جنگ هشت ساله، ماشینی با پلاک آبادان که زیر آوار بمباران مانده و موشکی که روی کلاس درس فرو د آمده است. فضای نمایشگاه به گونه‌ای چیده شده که می‌خواهد داستان جنگ را، از اولین روزها روایت کند. ما از این دالان عبور می‌کنیم و وارد فضایی می‌شویم که متعلق به هشت سال دفاع مقدس است: زمانی که ایران سلاح و ادواتی نداشت، سلاح‌هایی که در این بخش به نمایش گذاشته شد، سلاح‌های وارداتی امریکایی است. وقتی از این دالان عبور می‌کنیم وارد فضای بزرگ‌تری می‌شویم که موشک‌های هرمز، خلیج فارس، خیرشکن، نازعات، خرمشهر، عماد، مجیل، شهاب یک، ۲ و موشک قدر آسمان را نشانه گرفته‌اند.

در بخش دیگر نمایشگاه پهپادها با بردهای عملیاتی مختلف، وزن بر خاست، از تقاع پروازی، بیشینه سرعت کروز و مداومت پسرورازی مختلف نشان داده شده است. شاهد ۱۶۱ را داریم که بر د ۱۵۰ کیلومتر دارد مساحت قابل پایش هزار ۲۶۶ کیلومتر، طول پاند فرود این پهپاد هزار و ۵۰۰متر است. شاهد ۱۷۱ جته بزرگ‌تری دارد. وزن برخاستش ۷هزار و ۷۰۰ کیلوگرم و ۱۰ ساعت مداومت پروازی دارد، با بیشینه برد عملیات ۲هزار و ۲۰۰ کیلومتر و بیشینه سرعت کروز ۴۶۰ کیلومتر، این پهپاد مجهز به موتور توربوی است.

پهپاد مسدن دیگر کشورمان، شاهد۱۳۹ است. با بیشینه سرعت ۲۲۰ کیلومتر در ساعت، وزن برخاست هزار و ۲۰۰ کیلوگرم، بیشینه برد ۲هزار کیلومتر با قابلیت دید در شب و رهگیری. بخشی از نمایشگاه نیز به پهپادهای غنیمتی اختصاص پیدا کرده است که در رأس آن، آرکبو ۱۷۰ و گلوبال هاوک امریکایی قرار دارند که شکارهای بزرگ سامانه‌های پافندی ایران به شمار می‌روند، البته داستان در همین نقطه یعنی شکار متوقف نمی‌شود و بازدیدکنندگان باقباس پهپادهای نسل جدید ایران با پهپادهای سرنگون شده یا پهپادهایی که ایران با پیکری سالم آن‌ها را مجبور به فرود در خاک خود کرده است، متوجه توانایی نیروهای مسلح کشور در مهندسی معکوس و بازتولید آن‌ها می‌شوند. در این بخش شش پهپاد غنیمت گرفته‌شده به نمایش در آمده است.

اما بخش دیگری از نمایشگاه، پروژه اهرال هواپیمای سوخو ۲۲ است؛ هواپیمای بزرگی که به دست توانمند نیروهای هوافضا به مدار عملیاتی بازگشته است. در مرحله اول قطعات از جدا و در مرحله بعد قطعات برای ساخت به شرکت‌های داخلی واگذار شده‌اند. مثلاً در این مرحله طی ۴۸روز ۲۶هزار نفر ساعت روی هواپیماکار کرده‌اند. که ۳۹روز ۱۲هزار ساعت نفر کار در این مرحله انجام شده است و در نهایت پرواز، تست و رفع عیوب روی هواپیماکه ۱۲روز ۱۲هزار نفر ساعت زمان و نیرو صرف این مرحله شده است و در نهایت تصویری از پرواز غرورانگیز پرواز هواپیمای تحویل به نیروهای عملیاتی که استفاده درست از توان داخلی را نشان می‌دهد.

■ ■ ■

■ **۶۰۰ کیلومتر از کردستان به عشق ایران**

– سلام! من نیروی خبری هستم. چرا وقت گذاشتید آمدید نمایشگاه؟

– من از روابان جنگ هشت ساله می‌شنیدم که ما حتی برای تهیه سیم خار دار ساده هم می‌ماندیم، برای یک تانک، برای یک موشک التماس امشال قذافی را می‌کردیم. وقتی آن اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها می‌گویند موشک ما از هفت لایه پافاندی آن‌ها در می‌شود، می‌دانید یعنی چه و ما چه راهی را طی کردیم؟ که به این نقطه برسیم. متأسفانه ایران تنهاست و یک تنه در برابر کفر ایستاده اما خوشبختانه این توانمندی‌ها به دست یکسری جوان‌ها شکل گرفته است. من مستندی از جنگ ۱۲ روزه می‌دیدم که در چه شرایطی این موشک‌ها شلیک می‌شود. آن مسئول‌های پرتاب زخمی شده بودند، با این حال این موشک‌ها را به سمت اسرائیل پرتاب می‌کردند. خوب واقعاً افتخار دار. د. حالا بعضی‌ها می‌خواهند زندگی با دالت داشته باشند اما انتخاب ما همان است که امام حسین(ع) اعلام کرد: زندگی با عزت. – دختران کوچک‌تر هم به نمایشگاه آورده‌ای. – خواستم بچه‌هایم هم ببینند. خیلی هم در جنگ پیگیر



در روزهای پایانی آبان ماه نمایشگاه دانمی هوافضا برای نخستین بار میزبان عموم مردم برای بازدید از توانمندی‌ها و دستاوردهای نیروهای هوافضای سپاه در تولید و بهره‌برداری از انواع موشک‌ها، پهپادها، سیستم‌های رادار و پایش، همچنین پروژه‌های مختلف برای ساخت جنگنده‌های سبک و اورهال هواپیماهای جنگنده روسی بود. حال و هوای این نمایشگاه که در مهر ماه ۱۳۹۹ مصادف با چهلمین سالگرد دفاع مقدس افتتاح شده در روزهایی که هنوز هم بوی جنگ از فراز آسمان تهران و کلانشهرها به‌طور کامل بر نخاسته، معنادار بود. اغلب بازدیدکنندگان چه کودک و نوجوان و چه جوان‌ها، میانسال‌ها و حتی افراد مسن که در نمایشگاه به چشم می‌آمدند و فرصت‌های بسیار کوتاهی برای دیدار و گفت‌وگو با برخی از آنها شکل گرفت، غالباً دو دریافت با حس مشترک را تجربه می‌کردند: احساس غرور ملی می‌کنم، تصور نمی‌کردم موشک‌ها و ادواتی که در قاب تلویزیون می‌دیدم، به این عظمت باشند.

بودم ولی امدم از نزدیک دیدم و لذت بردم.

– کارتان چیست؟

– من کارم ساختمان سازی است. از استان کردستان

آمده‌ام، بالاخره خودم را رساندم.

– یعنی کار و زندگی را گذاشتید کنار و...

– زندگی اینجاست. من خیلی دوست داشتم یک بار سر دار حاجی‌زاده را از نزدیک ببینم اما با تأسف نشد.

– کجای کردستان هستید؟

– بین بیجار و تکاب.

– خوب خیلی غیرت می‌خواهد. ما که تهران و کرج هستیم برای بعضی‌ها این سخت است. از جایی که شما هستید تا اینجا فکر می‌کنم ۵۰۰ کیلومتر راه باشد.

– ۶۰۰ کیلومتر.

– واقعاً آفرین دار.

– این کارها در قبال رشادت‌های جوان‌های شهیدمان در جنگ ۱۲ روزه واقعاً چیزی نیست. خوب همه این عزیزان خانواده داشتند و به‌خاطر امنیت ما از جان خود گذشتند. شهر ما در همین جنگ اخیر چهار شهید داد. – خاندان! شما همسرا ایشان هستید؟

– ببله.

– این همه راه برای نمایشگاه آمده‌اید، فوق‌العاده است. – می‌خواستیم از نزدیک ببینیم، وقتی خودمان را کنار خانواده شهدا می‌بینیم، هیچ کاری نکرده‌ایم.

■ ■ ■

■ **از پوریا تا محمدعلی، ماهان، شاهین و مهدیس**
پوریا یا پیغان، محمدعلی صابری، ماهان، شاهین عباسی و مهدیس و خواهر شاهین عباسی کودکنی هستند که یک دفعه در نمایشگاه جلوی من سبز می‌شوند. پسرها همه‌شان ششم ابتدایی هستند و مهدیس، چهارم. شیطنت از سسر و صورت‌شان می‌ریزد و مدام وسط حرف‌های همدیگر می‌برند، در حالی که مهدیس آن گوشه ایستاده است و چیزی نمی‌گوید.

– نمایشگاه را چطور دیدید؟

پوریا، کارها در خیلی بزرگ‌تر از چیزی بود که فکر می‌کردم. خیلی آقا! اطلاعات خوبی هم پای هر کدوم نوشته بودند.

– شاهین: تو بردها رو خوندی؟

پوریا: آره که خوندم.

– شاهین: مثلاً ما نمی‌دونستیم آدم‌وا تا شعاع چندکیلومتری می‌کشد، همین الان فهمیدیم تا شعاع

چندکیلومتری می‌کشد.

– محمدعلی انظر شما چیه؟

محمدعلی: اینجا یک چیزی که خوب بود هم جنگ هشت سال را عراق را آورده بودند و هم جدیدتر، همه این موشک‌ها و پهپادها را خیلی دوست دارم. برد و نوع سوخت را نوشته‌اند.

(برایم جالب است که محمدعلی به عنوان یک کودک ۱۱ ساله به این نکته ظریف و مهم که در واقع هدف طراحان نمایشگاه بوده دقت کرده و متوجه معنای این چیدمان شده است.)

– همه‌تان هم دوست هستید؟

پوریا، همکلاسی هستیم. خانم خلیج بزرگوار، ما رو از مدرسه دولتی سرو به نمایشگاه آوردن.

– همه‌تان یک مقطع هستید؟

– شاهین: بله، همه‌شان ششمی هستیم ولی کلاس‌های‌مان فرق می‌کند.

– شما صحبت نکردید. نمایشگاه را چطور دیدی؟

– ماهان: نمایشگاه خیلی خوب بود. موشک‌ها و پهپادها رو با جزئیات نشون داد. حادثه‌ها رو نشون داد.

– وقتی موشک‌ها را می‌دیدي با خودت چه فکر می‌کردی؟

– ببله.

– شما چه مقطعی هستی؟

– چهارم.

– اولین باره این موشک‌ها می‌بینی؟

– یاد گرفتم.

– مهدیس همچنان ساکت گوشه‌ای ایستاده است.

– شما اسم‌تان چیه؟

– مهدیس.

– مهدیس! خوبی؟

– ببله خیلی ترسیده بودم. دوست داشتم همه‌مان سالم



دوساعت وقت داری؟ یک تعداد از افراد را جمع کرده بودند و آورده بودند نمایشگاه، من برای‌شان صحبت کردم، طرف می‌گفت من اصلاً فکر نمی‌کردم چنین چیزی در ایران وجود داشته باشد. خوب این کار رسانه است. متأسفانه ما انقدر در فضای مجازی بوده و حرف‌های دیوگران را باور کرده‌ایم که جابرای حرف‌های خودمان نمانده است. ما باید خودمان را از این فضا جدا کنیم و پیشرفت خودمان را به خودمان نشان دهیم. اگر مردم در این باره همراهی کنند انعکاس بهتری از قدرت نزد افکار عمومی پیش خواهد آمد.

■ ■ ■

■ **پیشرفت کرده‌ایم اما هنوز جای کار زیاد دارد**

– چرا در این نمایشگاه حضور پیدا کرده‌اید؟

– از طرف دانشگاه آمده‌ام.

– رشته تحصیلی‌تان؟

– مهندسی مواد.

– نمایشگاه را چطور دیدید؟

– بسیاری از این اتفاقات در حوزه تخصصی من نیست اما می‌توانم بگویم پیشرفت‌های خیلی زیادی را به چشم دیدم، با این حال هنوز جای کار دار، چون اگر ما به همین پیشرفت‌ها غره شویم، در تله تأیید می‌افتیم و خودمان را متوقف می‌کنیم، اما اگر چشم‌انداز و وسیع‌تری برای خودمان تعریف کنیم که این هدف یا آنچه محقق شده کافی نیست، ناخودآگاه از وضع موجود راضی نخواهیم بود و نباید هم راضی شویم. ما در این مدت تجربه جنگ ۱۲ روزه را داشتیم، خیلی از اتفاقاتی که واقعاً فکر نمی‌کردیم بیفتد، در کسری از ثانی رخ داد و انتظار نداشتیم آسمان‌مان تا این حد در اختیار دشمن باشد، البته جنگ است و در جنگ حلوا خیرات نمی‌کنند ولی خوب ضعف‌های ما هم در این جنگ آشکار است اما این نمایشگاه به عنوان یک مخاطب برایم بسیار ارزشمند است.

■ ■ ■

■ **کودکان و نوجوان‌هایی که انگیزه می‌گیرند**

مردی لاغر و قدبلند، خواهرزاده کوچک خود را به نمایشگاه آورده است.

– چه شد به این نمایشگاه آمدید؟

– دفعه دومی است که آمده‌ام، ما کم‌وبیش به واقعیت توانایی کشورمان پی برده‌ایم، اینکه در کنار ضعف‌هایی که وجود دارد خدا را شکر توانمندی‌ها هم کم نیستند. به این باور هم رسیدیم‌ایم حال‌هر کدام در حوزه کار خودمان که بله، می‌شود کارهایی را انجام داد. دیشب بچه‌های دیگری را به اینجا آورده بودم و امروز بچه خواهرهم را به نمایشگاه آوردم. دیشب موتور جت یکی از این پهپادها را روشن کرده بودند و وقتی بچه‌های دانش‌آموز این صحنه را می‌دیدند، واقعاً برای‌شان شگفتی داشت یا آن پهپاد گلوبال هاوک غول‌پیکر که لاشه‌اش را به نمایشگاه آورده‌اند. وقتی کودک با نوجوان ما که نزدیک اینها را می‌بیند، موضوع برایش فرق می‌کند.

– پس کارکرد نمایشگاه را در این می‌بینید که نسل جدید ما از نزدیک و بدون واسطه در جریان واقعیت‌ها قرار می‌گیرد.

– خوب این خیلی مؤثر است، چون واقعاً بعضی‌ها باورشان نمی‌شود. متأسفانه نمایشگاه راوی ندارد اما چیدمان نمایشگاه به گونه‌ای است که خود به خود واورانگیزی در آن اتفاق می‌افتد. من دیروز به چشم می‌دیدم خیلی از این کودکان به ویژه نوجوان‌های شوق و انگیزه را داشتند و می‌پرسیدند من باید چه درسی بخوانم که بتوانم در این حوزه کار کنم. مسلماً نمایشگاه برای قشر بزرگسال ما هم دستاوردهایی دارد اما من بیشتر نگاهم به سمت کودکان و نوجوان‌ها است.

– چه تحصیلاتی دارید؟

– من حقوق خوانده‌ام.

– ممنونم که وقت گذاشتید.

– سلامت باشید.

■ ■ ■

■ **امام جماعتی با لشکری از کودکان**

حجت‌الاسلامالمسلمین هاشمی، امام جماعت شهرک شهید خرازی در غرب تهران، لشکری از کودکان دستانی را با خود به نمایشگاه آورده است. صدای او را در هیاهوی کودکان به سختی می‌شنوم:

جا دارد در این فرصت از شهید حاجی‌زاده و شهدای اقتدار هوافضا یادکنیم. اگر اقتدار موشکی ما نبود، جنگ ۱۲ روزه همین حالا ادامه داشت. این غرش موشک‌های بچه‌های کرد برد سراغ امریکا برای آتش بس، ما بچه‌های ابتدایی را از شهرک شهید خرازی آوردیم اینجا که با دستاوردهای موشکی بچه‌های سپاه آشنا شوند و بدانند که چقدر این اقتدار زیباست و اگر ما آرامشی داریم، به زیر سایه اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است. شهرک ما ۴هزار ۵۰۰ نفر جمعیت دارد، ما در این شهرک ۴هزار ۵۰۰ دانش‌آموز داریم. بنده متولی مسجد شهرک هستم و ارتباط تنگاتنگی بین مسجد و مدرسه شکل گرفته است. شما تظفر ببایید مسجد ما دست کم ۱۰۰ دانش‌آموز دارند. تکلیف می‌نویسم مسجد از صبح تا ۱۱ ساعت باز است. ما ظرفیت‌های بسیار زیادی داریم که اگر همت کنیم، می‌توانیم گوشه‌ای از آنها را فعال کنیم.

■ **برو به سمت «اسرائیل»**

■ **سرزمین غصب‌شده پیامبران گذشته**

ساعت پایانی شب به غره آخر نمایشگاه می‌رسیم و من همچنان در حسرت اینکه قطره‌ای از این فضای عجیب که در آن آدم‌ها و آهن‌ها کنار هم جمع شده‌اند، به‌قالب کلمات درنیامده است. در بخش پایانی نمایشگاه، فضایی ایجاد شده است که بازدیدکنندگان برداشت‌های خود را حتی روی پوسته موشک هم بیاورند. این جملات و دهدها جمله از این دست روی بدنه موشک ذوالفقار ثبت شده‌اند: گر ما ز سر بریده می‌ترسیم/ در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم. یادگاری از دانشجویان علم و صنعت ایران/ چو ایران نباشد تن من مباد/ در این بوم و بر زنده یک تن مباد. ارتش فدای ملت/ روح شاد حاج حسن طهرانی‌مقدم/ ایران همیشه پیروز است/ اسرائیل! حاجی‌زاده‌ها! در راهند و لاشه آینده و فدایی‌های ایران، تو را محو می‌کنند! شهیدان هوافضا! راتان ا ادامه می‌دهیم/ عموی عزیزم عباس بیریایی راهت را ادامه می‌دهیم/ سلام و درود بر غیور مردان عرصه هوافضای کشور! من به عنوان یک کودک ایرانی راتان ا ادامه می‌دهم/ ابرو به سمت «اسرائیل» سرزمین پیامبران گذشته که به دست صهیون‌های پست‌فطرت غصب شده است و آن سرزمین را از لوث وجودشان پاک کن.